

مهمتِ جامِ دولتِ نیرندم

با سلام گرم از آن که «جان؟ آفتاب» که اینست جان روشن خود مال است ای برام مگر
 سپاسگزارم. کتاب را بر حسب عادت منگنی ام از اول تا آخر «جمع» خواندم و نظرم را در یکی دو باره
 در کتاب بر سر نیت و استقامت باز خواندن آن بهای کفایت گویم. در این کتاب که منتهی است به سنه ۳۵
 خودش را به دست آورده است. یعنی از لحاظ شکل بی حد و اندازه است معنای محو امر قوی و انسان گرا
 در سر کتاب واقعا «کسی کسین به نام انسان جای است» و کلمات آن همکار و همیار است
 «دیوار در سوراخ» «ترا که دیدم دانستم» «تا جویبار تازه نفس» «تاریخ» «سنگ در گداز»
 و نفس نوزد بیاید

ایندو ام در فضا بر بنگران سوزید که بر اوج کوه نصیب ما شد.
 در یکی از سوره از خان بنو فرقتش نام برده است. آیا در میان نیرندم جوانی است که در کتاب «سپاس»
 الخاص کارها کرده باشد و کس به خانه ام آمد؟

آثار الخاص کرده است یا محمد را نقاشی کرده بود که در جدول آن همچو آن شهر است
 دنیا کرده و در وقت بود. بقی از شهر که بنویسد نقاشی جوان دیگر آن تا بگوید ای برام
 آوردند که دوست داشتی و عزیز بود اما انوس که آن از سفان آورنده نامند بسیار از
 چیز دیگر که دشوار می نمود از دستم رفته است!

به بر حال جوانی می گم سلام گرم بر مردم را به الخاص و بنویسد و الله بدیدد و از عهد آنای
 حلال میرصادقی برسانند. در باره آن نیر از ده سال پیش تا یادم کرد.
 سلام به آثار نیرندم را با جوانی است که فرادرس کنند بسیار بفرستند
 و در انجام امور بسیار بنویسد و دیدند بنویسد «ترا و محدوده جوانی بی وفا بلند» من
 همچنان منتظر کتاب سائول ماسکو تا کتب از دستم

تا روزی یادگاری شود و اینکه فرادرس بکشد
 خیراله